



شبه 08 اسفند 1391 - 07:41

گیلان پیرترین و سیستان جوان‌ترین استان کشور

نرخ باروری در استان گیلان 13 در هزار و در سیستان و بلوچستان 33 در هزار است ...

نرخ باروری در استان گیلان 13 در هزار و در سیستان و بلوچستان 33 در هزار است
گیلان پیرترین و سیستان جوان‌ترین استان کشور

از کاهش نرخ موالید در استان گیلان گرفته تا افزایش جمعیت در سیستان و بلوچستان، می‌توان نتیجه گرفت که تناسب و توازن جمعیتی میان استان‌های کشور برقرار نیست، چراکه طبق آخرین آمار ارائه شده در حالی که نرخ باروری در گیلان 13 در هزار اعلام شده است، سیستان و بلوچستان با داشتن آمار 33 در هزار حتی از متوسط نرخ موالید کشور که 18 در هزار است، پیشی گرفته است.

اجرای قانون تنظیم خانواده و جمعیت که در سال 1372 در کشور مصوب و اجرایی شد، تاثیر بسیار زیادی در جلوگیری از افزایش جمعیت در دهه 60 داشت، اما این برنامه تا جایی پیش رفت که نرخ موالید را به کمتر از 1/8 درصد در سال‌های اخیر کاهش داد.

برنامه تنظیم خانواده بسته به فرهنگ و شرایط خاص هر نقطه از کشور، تاثیرگذاری متفاوتی دانسته به طوری که استان گیلان را با پایین‌ترین نرخ موالید مواجه ساخته است. آن گونه که زاهد خندستانی، مدیر کل ثبت احوال استان گیلان می‌گوید: در حالی که شاخص فرزندآوری در کشور 1/6 فرزند برای هر زن است، این شاخص در گیلان 1/4 فرزند است. در حالی که این شاخص در دنیا 2/5 فرزند برای هر زن، در کشورهای توسعه یافته 1/7 و در کشورهای کمتر توسعه یافته 2/6 است.

بین کشورهای همسایه مانند افغانستان نیز شاخص فرزندآوری شش فرزند برای هر زن، عراق 4/5 فرزند، پاکستان 3/2 فرزند، آذربایجان 2/1 فرزند و ترکیه نیز دو فرزند است. نگاهی اجمالی به این آمار و مقایسه آن با نرخ کمتر از 1/8 فرزند در کشور ما نشان‌دهنده پایین بودن نرخ موالید نسبت به کشورهای دنیا است که تبعات آن در سال‌های آینده خود را نشان خواهد داد.

جمعیت سالخورده و تبعات آن

يك کارشناس امور اجتماعی استانداری گیلان با بیان این‌که ادامه این روند باوجود افزایش سطح رفاهی مردم، پیامدهای منفی متعددی را به دنبال دارد، به جام‌جم می‌گوید: از جمله این تبعات منفی می‌توان به کمبود جمعیت، از بین رفتن شادی و نشاط در جامعه به دلیل سالخورده شدن جمعیت، از بین رفتن فرصت‌های تولید دانش، کشاورزی، صنعتی و تکنولوژی و خالی شدن روستاها از جمعیت اشاره کرد.

سیامک حیدری با بیان این‌که گیلان استانی است که اقتصاد آن برپایه تولیدات کشاورزی مانند برنج، چای و مرکبات قرار دارد و کم شدن و سالخورده شدن جمعیت بویژه در روستاها باعث پایین آمدن سطح زیرکشت و کاهش تولید و نابودی اقتصاد منطقه شده، یادآور می‌شود: کم شدن جمعیت افزون بر اینها موجب ایجاد مخاطرات زیست بومی نیز می‌شود، چراکه با کاهش جمعیت و خالی شدن روستاها از جمعیت، جنگل‌ها، مراتع و مناطق حفاظت شده نیز بدون مراقب رها می‌شود.

وی با بیان این‌که این استان اکنون پیرترین استان کشور به‌شمار می‌رود، به عواملی که در کاهش نرخ موالید استان تاثیر دارند، اشاره می‌کند و می‌گوید: سطح سواد بالای گیلانی‌ها حتی نسبت به میانگین کشوری از يك سو و شباهت فرهنگی و نزدیکی به پایتخت و همچنین توربستی بودن این استان از سوی دیگر موجب افزایش سطح توقعات مالی و فرهنگی مردم این منطقه شده است که این

امر خود در کاهش ازدواج و زادوولد تاثیر زیادی داشته است.

حیدری بالارفتن سن ازدواج به دلیل ادامه تحصیل را دیگر عامل تاثیرگذار عنوان می‌کند و می‌افزاید: رسیدن به بالاترین درجه تحصیلات که با تشویق و ترغیب خانواده‌ها همراه است، دستیابی به شغل را بویژه برای مردان دورتر می‌کند که این خود باعث بالارفتن سن ازدواج زنان و به تعویق افتادن سن باروری آنها می‌شود و عملاً فرصت فرزندآوری مناسب را از آنها می‌گیرد.

وی با بیان این‌که اکنون میانگین سن ازدواج در مردان شهری و روستایی گیلان به 27 سال و زنان به 24 سال رسیده است، به افزایش طلاق در استان اشاره می‌کند و می‌گوید: استان گیلان بالاترین نرخ طلاق در کشور را به دلیل عواملی همچون اعتیاد و افزایش توقعات مالی و فرهنگی زوجین به‌خود اختصاص داده است و از آنجا که بیشترین میزان طلاق در دو سال اول زندگی که هنوز باروری صورت نگرفته، انجام می‌شود و پس از آن نیز فرصت ازدواج بویژه برای زنان بشدت کاهش می‌یابد، میزان باروری نیز کاهش می‌یابد.

این کارشناس تمایل به بارور نشدن به دلایلی از قبیل مدیریت بدن یعنی توجه و رسیدگی به ظاهر بدن در خانم‌ها و همچنین نگرانی از سختی‌ها و مشکلات مالی و تربیتی فرزندآوری را از دیگر عوامل تاثیرگذار در کاهش باروری زنان گیلانی عنوان می‌کند.

حیدری با اشاره به تشکیل و افزایش خانواده‌های هسته‌ای و تاثیر آن در کاهش زادوولد می‌گوید: نبود حامی مانند پدربزرگ و مادربزرگ در این خانواده‌ها کار مراقبت از فرزندان را نسبت به گذشته سخت‌تر و امنیتر خاطر را کمتر کرده، این در حالی است که ابعاد فضای سکونت هم نسبت به گذشته بسیار کوچک‌تر شده و وجود فرزند بیشتر با این آپارتمان‌های کوچک تناسبی ندارد.

در همین حال عزیز پورعزیزی، مدیرکل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری گیلان با بیان این‌که استان گیلان اکنون روبه پیری است و اگر این مشکل حل نشود، در آینده دچار مشکل می‌شویم، به جام‌جم می‌گوید: به‌منظور رفع این مشکل تاکنون جلسات متعددی با حضور مسئولان استان، استادان دانشگاه، علما و روحانیون حوزه علمیه برگزار و کمیته‌ها و کارگروه‌هایی نیز توسط مراکز علمی و دانشگاهی تشکیل شده که در زمینه فرهنگسازی برای ترغیب جوانان به ازدواج و افزایش نرخ موالید کار می‌کنند.

وی با بیان این‌که دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه گیلان نیز در حال تهیه طرحی با فرمول جدید برای ارتقای کمی و کیفی ازدواج و زادو ولد است، می‌افزاید: افزون بر این دستگاه‌های اجرایی استان در حال برنامه‌ریزی برای ارائه خدماتی هستند که انگیزه و رغبت جوانان را برای ازدواج و باروری افزایش دهد.

فقر فرهنگی؛ افزایش جمعیت

در حالی که گیلان پیرترین استان کشور لقب گرفته، سیستان و بلوچستان با 38 درصد جمعیت کمتر از 15 سال، جوان‌ترین استان کشور است. در این استان نرخ موالید 33 در هزار است که از میانگین کشوری بسیار بالاتر است.

عضو هیات علمی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان نیز با اشاره به وجود فرهنگ تعددزوجات و چند همسری بودن می‌گوید: فرهنگ غالب در این سرزمین شریطی را رقم زده که زنان متعدد یک مرد در رقابت با هم و برای جلب رضایت همسر، فرزندان بیشتری به دنیا می‌آورند، این در حالی است که یک زن حتی پس از 9 بار زایمان اگر توان باروری را به هر دلیل از دست بدهد دیگر به دردخور محسوب شده و هم خود و هم همسرش مرگ را به زندگی وی ترجیح می‌دهند تا زنده بودن و عقیم شدنش.

ملیحه غریبی در عین حال می‌افزاید: افزایش جمعیت در این استان که ظرفیت اشتغال آن بسیار کم و نرخ فقر و بیکاری بالاست، تنها باعث تشدید فقر و بیکاری، افزایش جرم و جنایت، فحشا و فقر فرهنگی می‌شود.

وی درباره فقر فرهنگی مردم این استان می‌گوید: زمانی که زوجین هر دو تالاسمی مینور داشته باشند، 50 درصد آنها به تالاسمی مینور و 50 درصد به تالاسمی ماژور مبتلا می‌شوند، این در حالی است که بر اساس آزمایش‌های پیش از ازدواج تذکر لازم برای ازدواج نکردن به این زوج‌ها داده می‌شود، اما به دلیل فقر فرهنگی و نگرانی از حرف و حدیث مردم، حاضر به برهم زدن این پیوند نامبارک نیستند و از آنجا که به فرزند کم هم قانع نیستند، فرزندان مبتلا به تالاسمی بی شمار مینور و ماژور تحویل جامعه می‌دهند.

دو برابر شدن میزان مرگ و میر فرزند دوم به بعد در صورت رعایت نکردن فاصله سه تا پنج سال بین هر زایمان از دیگر مواردی است که این کارشناس به آن اشاره کرده و خاطرنشان می‌کند: باوجود این مخاطرات و اطلاع‌رسانی، زنان این منطقه که در سنین پایین هم ازدواج می‌کنند، هر سال یا هر دو سال یک بار زایمان می‌کنند که این امر افزون بر افزایش مرگ و میر فرزندان، خطراتی را برای مادران آنها به همراه دارد.

استاد دانشگاه علوم پزشکی سیستان و بلوچستان با بیان این که هدف از اجرای برنامه تنظیم خانواده یا حتی اجرا نکردن آن، رساندن جمعیت به میزان مطلوب و متناسب با امکانات يك منطقه است، تاکید می‌کند: اجرا نکردن برنامه تنظیم خانواده و کنترل نکردن جمعیت اگرچه برای بسیاری از استان‌های کشور برنامه خوبی است که حتما باید اجرایی شود، اما برای این استان که همیشه با افزایش جمعیت و فقر مالی و فرهنگی روبه‌رو بوده است، نسخه خوبی نیست و مشکلات استان و مردم و حتی کشور را بیشتر می‌کند.

غربی معتقد است: اجرای سیاست‌های یکسان در این زمینه برای کل کشور صحیح نیست و باید برای هر منطقه برنامه متناسب با آن منطقه تهیه و اجرایی شود و در صورتی که قرار به اجرای برنامه یکسانی باشد، یکسان‌سازی شرایط مالی و فرهنگی در نقاط مختلف ضروری است.

فاطمه مرادزاده / گروه ایران